



بررسی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در حوزه جرایم اقتصادی با تأکید بر فقه اسلامی و حقوق ایران

مهدی دیدا^۱، سلامه ابوالحسنی^{۲*}، نغمه فرهود^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۳ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

چکیده

در پژوهش پیش رو به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در حوزه جرایم اقتصادی با تأکید بر فقه و حقوق ایران پرداخته شده است. جرایم اقتصادی دارای ماهیت پیچیده‌ای است و امروزه به یک مسأله حاد در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل گردیده که در صورت عدم کنترل علاوه بر تبعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی می‌تواند کارآمدی، مشروعیت و حتی بقای حکومتها را به چالش بکشد. به منظور حل این معضل فراگیر در گام نخست بایستی به شناسایی همه ابعاد و ویژگیهای جرم اقتصادی پرداخت و پس از آگاهی نسبت به این مهم عوامل و زمینه‌های بروز آن را از نظر فقهی و حقوقی به دقت مورد شناسایی قرار داد. جرم‌انگاری جرایم اقتصادی یکی از ابزارها و مکانیزم‌های سیاست جنایی هر کشور، در مقابله با بزهکاری و انحرافات اقتصادی است؛ که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد نه تنها نتیجه مطلوب به دست نخواهد داد بلکه خود موجب پیداشدن معضلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری خواهد شد. استنباط قضات در موارد قانونی احد نیز احکام مشابه نیست به گونه‌ای که در مورد جرایم مختلفی از جمله جرایم اقتصادی توسط دادگاه‌ها صادر و مواد استنادی آنها متفاوت می‌باشد و بدین جهت سیاست جنایی قضایی شامل رویه‌های قضایی و عملکرد آنها در استنباط قوانین پر اهمیت است و چه بسا در برخی از موارد سیاست جنایی از سیاست قضایی اقتصادی فاصله می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری، یکپارچه، اسلامی، دلفی فازی

۱- مقدمه

جرایم اقتصادی، نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است که از آن غالباً به عنوان یک بیماری شدید و مسری یاد می‌شود؛ به طوری که توان تمام نهادهای موجود را تحلیل برده و در نهایت منجر به فروپاشی سیستم سیاسی حاکم می‌گردد. سطح بالای جرایم اقتصادی نشانه ضعف حاکمیت است که می‌تواند موجب ناکارآمدی سیاستهای دولتی، کاهش سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی شده و فعالیتهای سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد به سوی رانت‌ها و فعالیتهای غیر قانونی و غیر شفاف سوق دهد.

سیاست جنایی به عنوان مجموعه روشهای اتخاذ شده از سوی دولت و جامعه در جهت پیشگیری و کنترل پدیده مجرمانه و نشان دهنده نوع نگرش هر حکومت به جرم مجرم و مجازات و به نوعی حاکی از ایدئولوژی حاکم بر ارکان جامعه در خصوص مبارزه با جرایم مختلف (از جمله جرایم اقتصادی و فساد مالی) می‌باشد. مهم‌ترین رسالت‌های دین مبین اسلام مبارزه با فساد و جلوگیری از تباهی و گمراهی اشخاص است که بزرگان دینی از هیچ تلاشی در جهت تحقق این مهم دریغ ننموده و مبارزه با علت و زمینه‌های بروز فساد را در اولویت این قبیل اقدامات قرار داده‌اند. در تقسیم‌بندی الگوهای سیاست جنایی اندیشمندان این رشته از جمله مارتی و لازرژ پس از تبیین الگوی دولت تام‌گرا، سیاست جنایی اسلام را به عنوان یک سیاست اصولگرای مذهبی معرفی نموده‌اند و وجود سیاست جنایی اسلام که با استناد به آیاتی از قرآن کریم سیره نبوی در دوران زعامت و حاکمیت خود، سیره علوی در دوره کوتاه حکومت خود بر امت اسلامی و نظریات برگرفته از اندیشه‌های عمیق و اجتهادی علمای آشنا به مبانی اصیل اسلامی به دست می‌آید، امری مسلم و انکارناپذیر است.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و شروع نهضت بازگشت قوانین به اسلام و روشن‌فکری علماء و روحانیون وقت و بخصوص حضرت امام خمینی (ره) این طرز تفکر که می‌توان با قوانین صرف اسلامی و با برداشت امروزی از فقه جامعه را اداره کرد، وارد جنبه تقنین و اجرا شده و قوانین جزایی منطبق بر ستون فقهی مثل تحریر الوسیله تنظیم و وارد عرصه کیفری ایران گردید و محاکم شکل اسلامی به خود گرفتند. با گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی چندین بار قوانین تغییر کرد، ولی همواره با وجود شورای نگهبان تلاش شد تا تمامی قوانین وجه اسلامی خود را حفظ کنند. در پژوهش حاضر به بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران و نقش آن در برخورد با جرایم اقتصادی پرداخته شده و تلاش گردیده تا ضمن ارزیابی سیاست موجود، مشکلات و راهکارهای از بین بردن آن مورد تبیین قرار گیرد.

۲- مفاهیم

اصطلاح شناسی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در ابتدای هر پژوهش مطرح گردیده و منجر به همسو شدن دیدگاه پژوهشگران در مباحث مقدماتی و جلوگیری از بروز اختلاف نظرات ناشی از مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی می‌گردد. از همین رو، در این مقاله ابتدا به بررسی مفهوم واژگان کلیدی و پرکاربرد مرتبط با موضوع پرداخته شده است.

۲-۱- مفهوم سیاست جنایی

اصطلاح «سیاست جنایی» به عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی علمی، نخستین بار توسط آن سلم فون فوئر باخ به کار رفته است. این عنوان از دو جزء «سیاست» و «جنایت - جنایی» تشکیل شده است. واژه‌ی سیاست در معانی متعددی استعمال می‌شود. لسان العرب می‌گوید: "سوس" به معنی ریاست است و سیاست نیز در مفهوم «تصدی برای حفظ مصالح مردم» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ص ۱۰۸) گاه نیز سیاست به معنای اداره‌ی کشور و حکم راندن و رعیت‌داری است (دهخدا، پیشین، ص ۱۳۸). بنابراین، سیاست در لغت به معنای توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره‌ی امور به نحو مطلوب است. جنایت نیز همانند سیاست، کلمه‌ای عربی است که از ریشه‌ی جنی به معنای گناه کردن، چیدن میوه از درخت و جرم آمده است (عمید، پیشین، ص ۱۷۱). عده‌ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح، از «گناه» فارسی اخذ کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۷). اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی

تعریف واحدی ارائه نداده‌اند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است (حسینی، پیشین، ص ۱۵۳). عدم در صراحت این اصطلاح، همین بس که با بیش از دو سده قدمت، محتوا و حدود متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است تا جایی که متخصصان حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدعی وجود نوعی پارادوکس در این تعاریف هستند.

۲-۲- مفهوم جرایم اقتصادی

جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل سیاستها و فعالیتهای اقتصادی است به عنوان مثال عدم رعایت ضوابط در توزیع خدمات، و امکانات دولتی و سوء تخصیص و اجحاف کارمندان و مسئولین دولتی نسبت به بخش خصوصی جرایم اقتصادی محسوب می شود برخی جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می دانند، ولی مفهوم جرایم اقتصادی با جرایم مالی از نظر طبیعت یا ماهیت و هدف متفاوت است. در جرایم مالی، مصلحت خزانه دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص حقوق خصوصی و عمومی است، مانند اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی (میر سعیدی، زمانی ۱۳۹۲: ۲۰۱). ولی در جرایم اقتصادی، هدف اولیه و اساسی، حفظ و حمایت از سیستم اقتصادی یعنی ساختارهای مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مال و ثروت است. مانند پولشویی و اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور. جرم اقتصادی دارای مفهومی گسترده تر از جرایم کسب و کار است. همین گستردگی موجب شده تا جرایم اقتصادی ویژگیهایی به این شرح داشته باشند: ۱- در قالب تجارت و فعالیتهای حرفه ای به طور عمده عاملان به دنبال سود هستند. ۲- به صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان یافته رفتار می کنند. ۳- باید با استفاده از فعالیت های تجاری، صنعتی و فنی قانونی و حرفه ای صورت بگیرد ۴ مرتکبین به طور کلی و نه الزاماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هر دو برخوردارند (خوزه، ۲۰۲۱، ۲۱).

جرایم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی، بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می کند و لذا این دسته از جرایم باید با سیاست جنایی جامعی کنترل شوند فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیبهای متعدد، نسبت به نظامهای اقتصادی پیشرفته زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می کند (حسینی، مهرا، ۱۳۹۴: ۴۵) ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی به گونه ای است که در برخی موارد هم پوشانی دارند. در مقایسه فساد مالی با جرم اقتصادی می توان گفت که فساد مالی با سوء استفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخص اعم از اینکه در بخش خصوصی باشد یا دولتی، ویژگی مرتکب جرم (صاحبان قدرت و مستخدمین دولتی یا وابسته به دولت) در آن موضوعیت دارد، ولی مرتکب جرایم تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی باشد. لذا ارتکاب جرایم فساد مالی که صرفاً اعتماد مردم به کارگزاران دولتی را مخدوش می کند بدون اینکه مؤثر در فعالیت های اقتصادی باشد نمی تواند مصداق جرم اقتصادی باشد فساد اقتصادی نیز به خودی خود جرم محسوب نمی شود، بلکه می تواند معیاری برای شناسایی جرم اقتصادی باشد. به عبارت بهتر، فساد اقتصادی رفتاری است که بنیان اقتصادی کشور را مورد تهدید قرار می دهد و موجب اخلال در نظام اقتصادی می شود در حالیکه جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل به سیاستها و فعالیتهای اقتصادی است (میر سعیدی، زمانی ۱۳۹۲: ۱۶۸).

۲-۳- مفهوم جرایم اقتصادی در فقه

اسلام مکتبی انسان ساز است و دارای حیات مادی و معنوی است حیات مادی، انسان نیازمند نظام اقتصادی صحیح است و از آنجایی که نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر آموزه های الهی است. نگرش و دیدگاه فقهی به این جرایم بسیار دقیق و در خور توجه است زیرا عدم توجه به نظام سازی اقتصادی نه تنها حیات دنیوی انسان را به مخاطره خواهد انداخت بلکه حیات معنوی او را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار خواهد داد. (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۱۲). چنانکه خداوند در قرآن میفرماید و اموال یکدیگر را میان خود به باطل مخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه آن را به حاکمان می کشانید در حالی که شما حقیقت را می دانید (سوره بقره، آیه ۱۸۸). اگر چه مبانی حقوقی ما در ایران برگرفته از مبانی فقه است اما جرایم اقتصادی در فقه، مانند جرایم اقتصادی جوامع بین الملل و

حقوق ایران به زبان امروزی شاید عنوان نشده است اما جرایمی مانند پولشویی به طور خاص اسمی در فقه و به تبع آن در قانون ایران ذکر نشده است ولی از آنجا که این جرایم تحت مستندات فقهی عامی چون «حرمت اکل مال به باطل؛ حرمت تعاون بر اثم؛ حرام بودن مقدمه حرام؛ قاعده سد ذرایع؛ تجری» (گرجی، ۱۳۸۳، ۲۴) نه تنها پذیرش آنها از طرف قانونگذاران منافاتی با حقوق ندارد بلکه می‌توان از بر اساس فقه اسلامی آن را جزئی از قوانین جزائی اسلامی نامید.

مفسران بزرگ اسلامی در مورد «حرمت اکل مال به باطل» چنین بیان می‌دارند که این آیه عمومیت دارد و تمام تصرفات باطل و ناروا را در برمی‌گیرد (طباطبایی (بی تا، ۵۱) منظور از اکل، مطلق تصرفات و تملکات است و منظور از مال هر چیزی اعم از پول و منافع و اسناد مالی را شامل می‌شود و مراد از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیر قانونی است مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ رشوه تصرفات، عدوانی، سوگند دورغ و غیره می‌باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۳۰ و ۲۹۳).

غیر از مستندات قرآنی آیات صریح قرآن این قواعد فقهی در مبارزه با جرایم اقتصادی مستندات روایی فراوانی در زمینه پولشویی نیز در اسلام و قواعد فقه مشخص و مبرهن است به طور مثال امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۵ نهج البلاغه که در واقع بخشی از خطبه ای است که بعد از بیعت مردم با آن حضرت در مدینه ایراد فرمود بیان داشت: آگاه باشید تمام زمینهایی را که عثمان به این و آن بخشیده و همه اموالی را که از بیت المال داده، همه به بیت المال باز می‌گردد چرا که هیچ چیز نمی‌تواند حقوق گذشته را باطل کند. و خطبه فوق ایشان به تمام افرادی که در عثمان اموال بیت المال را غارت کرده بودند یا از طرف خلیفه به آنها اهدا شده بود هشدار می‌دهد و به آنها کند که باید تمام این اموال را به بیت المال باز گردانند و اگر باز نگردانند با قدرت از آنها خواهد گرفت و اعلام می‌کند به این ترتیب امام (علیه السلام) امید طمع ورزان با این خطابه ها قطع کرده و می‌فرماید: به خدا سوگند اگر آن [اموالی که از بیت المال غارت شده و عطایایی که عثمان: بی حساب به این و آن بخشیده است] را بیابم که کابین زنان شده یا کنیزانی با آن خریده شده باشد و جزء زندگی افراد شده باشد همه را قاطعانه به بیت المال باز گردانم [و اجازه نمی‌دهم بی عدالتی سابق در جهان اسلام ادامه یابد]؛ سپس می‌افزاید: [ممکن است کسانی از این کار که ضامن اجرای عدالت است ناراحت شوند و احساس مضیقه و تنگنا کنند، ولی این اشتباه بزرگی است] زیرا عدالت مایه گشایش برای جامعه است و آن کس که عدالت برای او موجب مضیقه و تنگنا گردد ظلم و ستم برای او سخت تر و تنگتر است!؛

امام (علیه السلام) در نخستین جمله های این کلام تصمیم قاطع خود را برای بازگرداندن اموالی که به ظلم از بیت المال گرفته شده است بیان میدارد تا آن جا که اگر این اموال را در مصارف حساس و خاصی که مربوط به زندگی خانوادگی افراد است صرف شده باشد باز هم باید به بیت المال برگردد تا مردم بدانند آنچه قبلا عمل شده قانون اسلام نبوده و الگو و سرمشقی برای آیندگان نگردد سپس در ذیل این سخن این تصمیم قاطع را با منطق و دلیل همراه می‌سازد و می‌فرماید این مصداق روشن عدالت است که مایه شکوفایی جامعه و رضایت عموم مردم و خاموش شدن آتش فتنه هاست. سرانجام به کسانی که دستهایشان به این اموال آلوده است و تصور می‌کنند این تصمیم امام (علیه السلام) به زیان آنهاست اندرز می‌دهد که این کار به نفع خود آنها می‌باشد زیرا اگر کسی عدالت بر او تنگ باشد ظلم تنگ تر است چرا که عدالت اموال حلال او را به او می‌دهد و تنها اموال نامشروعش را می‌گیرد ولی اگر تن به عدالت ندهند و رسم ظلم و جور را زنده کنند تمام اموالشان به خطر می‌افتد هم حلالشان و هم حرامشان!

قابل توجه اینکه به گفته «کلبی (مورخ و مفسر معروف) طبق نقل «ابن ابی الحدید» علی (علیه السلام) بعد از ایراد این خطبه دستور داد تمام سلاحهایی که در خانه عثمان برای تهاجم بر مسلمین گردآوری شده بود از آن جا بیرون آورند و همچنین سایر اموال بیت المال را ولی دستور فرمود متعرض اموال شخصی او (که از طریق مشروع حاصل شده بود) نشوند و نیز فرمان داد تمام اموالی که عثمان به عنوان جایزه و بدون استحقاق به افراد داده بود به بیت المال باز گردانده شود (ابن ابی الحدید، (بی تا)، ۲۶۹)

۳- جرائم اقتصادی در حقوق ایران

در قوانین کیفری ایران جرم اقتصادی تعریف نشده است لکن در حقوق داخلی پاره ای از کشورها گاهی تعریف و گاهی به جای

تعریف مصادیق این جرم بیان شده است. به عنوان مثال، قانون جرایم اقتصادی اردن در ماده ۳ جرایم اقتصادی را این گونه تعریف می کند: «جرایم اقتصادی جرایمی هستند که احکام این قانون و قوانین مشابه نسبت به آنها اجرا می شود و به اموال عمومی تعلق دارند و موجب ضرر زدن به بنیان اقتصادی کشور یا اعتماد عمومی نسبت به اقتصاد ملی یا پول ملی یا سهام یا اسناد و اوراق مالی رایج در کشور می شوند. این ماده بیش از آنچه که تعریف باشد، ضابطه را بیان کرده است در تعریفی دیگر جرایم اقتصادی عبارت اند از: «جرایمی که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیتهای اقتصادی آمده است اعم از اینکه در قانون جرایم اقتصادی پیش بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه ای که فعالیتهای اقتصادی را تنظیم می کند (زراعت، ۱۳۹۱، ۱۲) رایج ترین تعریفی که از جرم اقتصادی صورت گرفته عبارت است از: «رفتار مجرمانه ای که اشخاص حقیقی و حقوقی به انگیزه تحصیل مزایای اقتصادی مرتکب می شوند». (اسجوگرن، ۲۰۰۴) از دیدگاه بچر حقوقدان سوئیسی، جرم اقتصادی مجموعه ای از جرایم علیه اموال است که بدون خشونت ولی همراه با تزویر و فریب یا سوء استفاده از موقعیت، یا قدرت نفوذ و تأثیر گذاری یا با انگیزه کسب منفعت ارتکاب می یابد با این وصف جرایم اقتصادی فراتر از جرایم یقه سفیدان است زیرا جرم، اقتصادی جرایم ارتكابی خارج از چارچوب فعالیت حرفه ای مبتنی بر تزویر را هم در بر می گیرد. (همان: ۱۲۰-۱۲۱) دیوان عالی کشور فرانسه در یک رأی؛ جرم اقتصادی را جرمی دانسته که مربوط به چرخه تولید توزیع و مصرف است و چون گردش این سه فرایند اقتصادی به وسیله پول صورت می گیرد و عنصر اصلی مبادله در اقتصاد هم پول است لذا در نهایت منجر به اخلال در نظام اقتصادی. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶: ۶) معمولاً وقتی از جرما اقتصادی سخن گفته می شود بلافاصله نظرها به جرایم فساد مالی و سازمان یافته معطوف می شود. در حالی که همه جرایم فساد مالی، جرم اقتصادی نیستند. اگرچه در اکثر موارد نتایج و عواقب جرایم فساد مالی و جرایم اقتصادی یکسان اند. به علاوه ممکن است یک عمل مجرمانه هم فساد مالی باشد و هم جرم اقتصادی محسوب شود (تیانکول، ۲۰۰۶، ۷). جرایم اقتصادی به طور کلی به دو دسته تقسیم شده اند اعمال غیرقانونی کسانی که به منظور تحصیل پول برای خودشان مرتکب می شوند و اعمال غیرقانونی کسانی که اساساً برای دستیابی به اهداف شرکت خود یا سازمانهای دیگر مرتکب می شوند. از طرفی تعریف مشخصی از جرائم اقتصادی در قوانین کیفری ایران وجود ندارد و قاضی نیز نمی تواند به اندازه ای اختیار داشته باشد که مصادیق جرم اقتصادی را تشخیص دهد زیرا تبیین ارکان و شرایط تحقق جرائم با قانونگذار است و قاضی تنها پرونده ها و مصادیق را با این شرایط تطبیق می دهد. (سلطانی فرد، ۱۳۹۷: ۱۵۰)

با توجه به اشکالات و اختلافات موجود در زمینه تعریف جرم، اقتصادی در قوانین و اسناد کاربردی حقوقی برای شناسایی جرایم اقتصادی از روش؛ تبیین حصری مصادیق در کنار تعریف مفهومی جرم اقتصادی یا به عنوان روشی مستقل استفاده می شود شورای اروپا نیز طی توصیه نامه شماره ۱۲ - (۸۱) کمیته وزرای شورای اروپا به دولت‌های عضو در خصوص جرایم اقتصادی (۲۵ ژوئن ۱۹۸۱) از روش تعریف کلی، عدول کرده و به تبیین مصادیق پرداخته است. وفق ضمیمه این رهنمود جرایم اقتصادی عبارت اند از:

جرایم کارتلی؛ اقدامات مشتمل بر تقلب و کلاهبرداری سوء استفاده از موقعیت توسط شرکتهای چند ملیتی؛ کسب متقلبانه امتیازها از دولت یا نهادهای بین المللی یا سوء استفاده از آنها؛

جرایم رایانه ای (مانند سرقت داده، تجاوز به اسرار، دستکاری داده های رایانه ای)؛

بنگاههای تقلبی جرایم جعل و دست کاری ترازنامه های مالی اسناد حسابداری شرکت؛

تقلب مرتبط با موقعیت اقتصادی سرمایه مشترک شرکتهای؛

تجاوز به استانداردهای امنیت سلامت کارگران در شرکت؛

تقلب به منظور آسیب به حقوق بستانکاران (مانند ورشکستگی تجاوز به حقوق معنوی صنعتی)؛ تقلب نسبت به مصرف کنندگان

(به ویژه اظهار کذب گمراه کننده در مورد کالا جرایم علیه سلامت عمومی، استفاده از ضعف و بی اطلاعی مشتری)؛

رقابت ناعادلانه (مشتمل بر رشاء به یک مستخدم شرکت رقیب) تبلیغات گمراه کننده؛

جرایم مالیاتی گریز از پرداخت هزینه های اجتماعی به وسیله بنگاهها؛

جرایم گمرکی (مانند گریز از پرداخت عوارض گمرکی نقض محدودیتهای سهمیه ای)

جرایم مرتبط با مقررات پولی و وجه رایج

جرایم بانکی بورسی (مانند مبادله متقلبانه سهام و سوء استفاده از بی اطلاعی عموم)؛

جرایم علیه محیط زیست (حسینی، مهرا ۱۳۹۴، ۵۳).

صدر ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مربوط به منع شمول مرور زمان نسبت به برخی از جرایم است. ادامه ماده در مقام بیان جرایمی که مشمول مرور زمان نخواهند شد به جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده که بیش از یک میلیارد ریال باشد اشاره کرده است (بند ب ماده ۳۶ ق.م.ا) عناوین مجرمانه که در تبصره ماده ۳۶ احصاء شده و مطابق بند ب ماده ۱۰۹ به عنوان جرایم اقتصادی قابل شناسایی هستند عبارتند از:

الف - رشاء و ارتشاء ب - ، اختلاس پ- اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری
ت- مداخله وزرا نمایندگان مجلس کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ث- تبانی در معاملات دولتی، ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی -- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، ح- جرایم گمرکی، خ - قاچاق کالا و ارز د جرایم مالیاتی -ذ- پولشویی و-ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور، ز - تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی.

چند نکته در روش تبیین جرم اقتصادی در ماده مذکور شایان توجه است قانون از تعریف کلی جرم اقتصادی اجتناب کرده و از روش تبیین مصادیقی همانند روش شورای اروپا استفاده کرده است این روش قبل از قانون مذکور در بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص جرایم کلان اقتصادی نیز به کار گرفته شده بود. بررسی این دو مقرر نشان می دهد که مصادیق آنها انطباق کامل ندارند شکل نگارش ماده به صورتی است که این مصادیق، حصری است و مانع اطلاق عنوان جرم اقتصادی به سایر جرایم می شود از این رو سایر رفتارهای مخل نظم اقتصادی در صورتی که یکی از مصادیق جرایم مذکور نباشد به هر اندازه که اهمیت داشته باشند عنوان جرم اقتصادی ندارند و مشمول تشدیدهای مذکور در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهند بود (حسینی، مهرا، پیشین: ۵۵)

۳-۱- سیاست جنایی تقنینی در مبارزه با جرایم مخل نظام اقتصادی با نگاهی بر آموزه های فقهی

در نظام اسلامی به کنترل درونی و پیشگیری از وقوع ناهنجاری (اعم از گناه یا جرم) بیش از کنترل بیرونی به اجرای مجازات توسیه شده و گذشته از اصول اعتقادی توحید نبوت و معاد که به خودی خود انگیزه کافی را برای هنجار مندی مومنان فراهم می آورد برخی اعمال عبادی نقش بازدارندگی از ارتکا شخص به ناهنجاریها را ایفاء می کنند (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳۴) در مبانی دینی اسلام دستور العلل هایی برای پیشگیری از ارتکاب شخص به جرایم و گناهات در نظر گرفته شده که مومب احیای ارزشهای اخلاقی جامعه پیشگیری از اشتباهات افراد جامعه (به خصوص کارگزاران) از ارتکا به گناه و جرم گردیده است به واسطه همین ویژگیها است که اسلام دین رهایی از زشتی ها نامیده شده است. (ترکی هرچنگانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۵) اسلام به برای برقراری عدالت و امنیت در جامعه و جلوگیری از وقوع فساد مالی به کنترل درونی اشخاص بسنده نکرده و از اعمال کیفر به عنوان ابزاری در جهت کنترل بیرونی بهره برده است. چنان که علی (ع) خطاب به مالک اشتر فرمودند: هر گاه یکی از کارگزاران دست خود را به انجام جنایتی دراز کرد و گزارشات اشخاص مورد اطمینان تو به صحت وقوع آن گواهی داد کافی است که او را مجازات نمایی و بی مقدار و خوارش گردانی و داغ خیلنت بر او زنی و ننگ بدنامی بر گردنش نهی (نهج البلاغه نامه ۴۱۰) دقت در این سطور و بررسی در قواعد کلی اسلام نشان می دهد که پیشگیری از جرم فساد مالی و مجازات مرتکبین این اعمال از اصلاح جزوه ضروریاتی است که در جامعه اسلامی بدان تاکید شده است

با تأکید بر این امر هدف از سیاست جنایی در حقوق اقتصادی مبارزه با فساد و جرائم اقتصادی است. فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروتها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می دهد، بلکه برای مرفحان جامعه ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می نماید که در سایه، آن ارتکاب سایر جرائم تسهیل می. شوند بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلال گران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است مبارزه با جرائم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می شود و هم از آثار و تبعات مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می کند(کوشا،

دهقانی ۱۳۹۶: ۸۶). به عنوان مثال قانونگذار ایران در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ برای مرتکبین این گونه جراتم پاسخ های کیفری ناچیزی در نظر گرفته بود که نه تنها نوعی پیشگیری کیفری محسوب نمی شد و چاره ساز نبود، بلکه ناچیز بودن میزان کیفر، موجب ایجاد انگیزه در گسترش پولشویی می شد. وفق ماده ۹ قانون مذکور مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد در آمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصله به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می شوند. (مهدوی پور، ۱۳۹۲: ۶۵).

۴- آموزه های فقهی حاکم بر قوانین مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور

با توجه به اینکه در ایران یکی از نهادهای فعال در عرصه سیاست گذاری تقنینی مقام رهبری یا ولایت فقیه است در توضیح پیرامون این مسأله باید گفت اگرچه بر اساس نظام حقوق کیفری ایران مقام رهبری جز در عفو یا تخفیف مجازات محکومین اختیار یا وظیفه ای در سیاست جنایی ندارد و با توجه به برابری رهبری در برابر قانون همچون سایر شهروندان خود مطیع قانون اساسی و قوانین عادی بوده و به طور مستقیم نمی تواند اقدامی در راستای جرم انگاری یا ایجاد ممنوعیت در قبال رفتار یا رفتارهایی با تعیین صلاحیت رسیدگی ویژه یا صدور بخشنامه یا مصوبه خلاف قانون کیفری انجام دهد لکن با عنایت به راهکارهای تعیین شده در خصوص شیوه حل اختلاف توای سه گانه و حل معضلات مدی نظام می توان نهاد رهبری را نیز به عنوان یکی از نهادهای موثر در سیاستگذاری تقنینی در ایران معرفی نمود (ر.ک. بند ۷ و ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) یکی از این موارد فرمان ۸ ماده ای امام ره در دهه ۳۰ برای مبارزه با جرایم اقتصادی بود. در دهه ۶۰ به علت مسائل ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی و بهم ریختگی اقتصادی در کشور مشکلاتی مانند احتکار قاچاق کالا و ارز گرانفروشی شکل گرفت و بر همین اساس قانونی تحت عنوان مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور در بیست و هشتم آذر ماه ۱۳۶۹ به تصویب مجلس رسید. این قانون در دو ماده تنظیم شد.

در ماده یک این قانون، مصادیق اخلاص در نظام اقتصادی کشور به شرح زیر تعیین و برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است: اخلاص در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه تقلبی یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن، اخلاص در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندیهای مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها اخلاص در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست های تولیدی کشور شود و امثال آنها خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروتهای ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد، وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلاص در نظام صادراتی کشور تاسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، موسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد (الحاقی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

در ماده ۲ این قانون نیز آمده است: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود همان طور که ذکر گردید. چنانچه ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در ماده یک قانون فوق الذکر با هدف اخلاص در نظام اقتصادی کشور انجام گیرد و یکی از قصدهای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا مقابله با آن را داشته و یا عالم به تأثیر اقدامات در مقابله با نظام باشند و به تشخیص محکمه اقدامات آنان موجب فساد فی الارض باشد مجازاتی در حد اعدام خواهند داشت و همچنین ضبط اموالی که از طریق خلاف قانون تحصیل شده به عنوان جزای مالی در حکم نیز لحاظ خواهد شد. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز درباره کسانی که اقدام به فعالیت

اقتصادی مجرمانه می‌کنند، حکم مفسد فی الارض را با شرایط خاصی پیش بینی کرده است. طبق این ماده هرکس به طور گسترده، مرتکب اخلال در نظام اقتصادی کشور.... یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی ... در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد غیر از موارد حدود و قصاص که مبانی شرعی خاص خود را دارند، سلب حیات به عنوان تعزیر جای بحث دارد و از آن جا که مبنای شرعی آن نامعلوم است قانون گذار سعی کرده است در حد امکان مجازاتهای اعدامی را در قالب افساد فی الارض قرار دهد. تا بدین صورت به آن عنوان حد داده و دارای مبنای شرعی معرفی کند. با وجود، این قانونگذار در سال ۱۳۹۲ ضمن تفکیک محاربه از افساد فی الارض در مقام ارایه معیار برای تشخیص جرم افساد فی الارض، از تعابیری چون به طور گسترده، اخلال شدید و در حد وسیع) استفاده کرده است تا دامنه ی جرم را به موارد خاص محدود کند (ساریخانی؛ آقا بابا بنی، ۱۳۹۳: ۱۲). بنابراین می‌توان گفت در تراحم مصالح اجتماعی با مسأله حیات، سلب حق حیات به عنوان مجازات با مبانی فقهی سازگاری ندارد و اعدام تعزیری فاقد مستند شرعی است؛ و اینکه برخی فقها نوشته اند در تعزیر مفهوم تأدیب نهفته است و اعدام تعزیری با آن سازگاری ندارد سخن به جا و قابل قبولی است (همان، ۳۰)

۵- آموزه های فقهی و تاثیر آن قوانین حقوقی حاکم بر جرایم اقتصادی

یکی از مهمترین رسالت‌های فقه حکومتی ارائه مبانی تدوین سیاست‌های اقتصادی دولت اسلامی است. انجام این مهم مستلزم ارائه روشی مشخص برای کشف نظریات اقتصادی اسلام از منابع اسلامی است. در واقع چنین می‌توان استنباط نمود که فقه نظریه روش اجتهادی بدیعی در متون فقهی است که با هدف کشف نظریات بنیادی اسلام در عرصه های گوناگون از جمله و تدوین و تصویب قوانین در ایران بدان استناد می‌شود. تلاش عمده فقها این است که فقه را از چهار چوب سطح خرد به سطح کلان و اجتماع و حقوق و سیاست تعمیم دهند تا بدنی طریق احکام شریعت در نهاد قوانین اجرا و اجرایی شود در واقع، وظیفه فقه کشف خطوط کلی چارچوبهای کلان اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی اسلام است تا بدین طریق بتواند پل رابطی بین شریعت و قوانین و حقوق امروز باشد.

به طور مثال رشوه خواری از جمله جرایمی است که در جهت باطل ساختن حق و یا ثابت کردن باطل میباید و متشکل از دو رکن راشی و مرتشی است ولی در اینکه موضوع رشوه چه میباید و آیا ادله رشوه اختصاص به باب قضا دارد یا عام است بین فقها اختلاف است و اکثر فقهای امامیه حکم رشوه را اختصاص به باب قضا داده اند. حرمت رشوه را در سایر ابواب با قاعده حرمت اکل مال به باطل توجیه می‌کنند یعنی با عقد باطل مال از مالکیت راشی خارج نمی‌شود و به مرتشی منتقل نمی‌شود و لذا تصرف او در آن مال حرام و مصداق اکل مال بالباطل می‌شود (نراقی، بی تا، ۸۹) مثلا شیخ انصاری حرمت رشوه در غیر باب قضا را از باب صدق عنوان رشوه شرعی حرام نمی‌داند بلکه چون دارای اثر وضعی فساد است حرام شمرده می‌شود (دزفولی، ۱۴۱۵.ق: ۲۴۷)

اما با نگاهی به قوانین متعددی که از مراجع قانونی مانند مجلس شورای اسلامی مجمع تشخیص مصلحت، قوه مجریه و قوه قضائیه در زمینه مبارزه با اخلال در نظام اقتصادی کشور به تصویب رسیده و در حال اجرا است. این امر موجب تعدد و پراکندگی قوانین معتبر در این زمینه شده است. به نظر می‌رسد تأکید اصلی سیاست جنایی کشور و وجه مشترک همه قوانین، مذکور تشدید مجازات مرتکبین جرایم اقتصادی است مسأله دیگر، تشتت در آرای محاکم رسیدگی کننده در زمینه اخلال در جرائم اقتصادی است که ناشی از وجود قوانین و تفسیرهای متفاوت رویه قضائی از قوانین خصوصا قانون مجازات اخلاگران اقتصادی و نوع دادگاههای رسیدگی کننده است. از طرف دیگر تدابیر و ساز و کارهای به کار گرفته شده در کشور ما پیرامون مبارزه با فساد اقتصادی نشانگر آن است که عوام گرایی کیفری در مبارزه با این پدیده تهدیدی غیر قابل انکار است سیاستهای کیفری عوام گرا در مبارزه با فساد اقتصادی سبب شده در بسیاری موارد امنیت گرایی بر ملاحظاتی اقتصادی پیشی گرفته و جرم انگاری و کیفر گذاری در سیاست کیفری ماهوی با اصول بنیادینی همچون اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، همخوانی نداشته باشد. علیرغم دغدغه مبارزه سریع با فساد اقتصادی و در نقطه مقابل؛ پیش بینی راهکارهایی جهت رسیدگی سریع و خارج از نوبت، در کنار سیاست تشهیر مجرمان از مصادیق عوام گرایی مبارزه با جرایم اقتصادی در

سیاست کیفری ایران است (حسینی، اسماعیل زاده ۱۳۹۴: ۲۰۱)

تدابیر خاص کیفری (سرعت در محاکمه، عدم رعایت تشریفات دادرسی، قطعیت، اجرای سریع، رسیدگی نهادهای خاص) از سوی قانونگذار در برخورد با جرائم اقتصادی به گونهای مختلف تدبیر شده است و نیز تدابیر خاص پیشگیرانه و غیر کیفری از سوی نهادهای رسمی جامعه سیاست گذاری و مدیریت می شود (سازمان تعزیرات حکومتی، ستاد مبارزه با بحران اقتصادی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ستاد پیشگیری در امر جعل) که جملگی اختصاص به جرائم اقتصادی با چارچوبهای خاص دارد و لذا این تفکیک جرائم اقتصادی از جرائم مالی لازم و قابل توجیه می نماید بویژه اینکه جرائم نوع اخیر غالباً به صورت باندى شبکه ای و با سوء استفاده از قدرت انجام گیرد و علی الخصوص از جرائم یقه سفیدها مانند تطهیر پول جرائم قاچاق کالا و ارز تلقی می شود. (عباسی، ۱۳۹۵: ۲)

به نظر می رسد موضوع جرم اخلال در نظام اقتصادی و مصادیق آن در فقه و حقوق دیدگاههای متفاوت و گاه موافق و همسویی وجود دارد که به روشنی مقایسه نشده اند زیرا ابعاد این جرایم و جوه قوانینی و فقهی متفاوتی را به خود گرفته است نکته مهم در زمینه جرائم اقتصادی این است که کدامیک از این دسته از جرایم و تحت چه شرایطی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض محسوب می شوند این امر نیازمند سیاست جنایی مشخص در زمینه جرایم اقتصادی است. همچنین در زمینه قوانین ماهوی جرم انگاری بیش از حد و تکلیف فوق العاده به دستگاه قضایی برای حل و فصل کلیه دعاوی و اختلافات مردم و نهادهای دولتی با یکدیگر و با مردم از جمله علل و عوامل مهم جرایم ارتكابی قضات به ویژه اشتباهات قضایی می باشد که موجب تغایر و تفاوت تصمیم ها و آرای قضایی می شود. آنچه که بحث آن بسیار ضروری و لازم است این است که فقها در هیچ کتاب فقهی بحث فقهی مستقلی برای عنوان افساد فی الارض ارائه ننموده اند و فقط برخی از فقها برای جرمهای خاصی مانند کفن دزدی، آتش زدن منزل دیگری، اعتیاد به کشتن اهل، ذمه آدم ربایی و آدم، فروشی قاچاق مواد مخدر « (مفید، ۱۴۱۰ق: ۸۰۵) به عنوان افساد فی الارض معرفی کرده اند اما بررسی در مواد و محتوای قوانین اسلامی می توان بدین نکته اذعان داشت که قانونگذار ایرانی در اقتباس جرم افساد فی الارض از فقها تخطی نموده و به ذکر مصادیقی پرداخته است که فقها بدان نپرداخته اند و آن را منافات با فقه اسلام می دانند (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

۶- آموزه های فقهی و تاثیر آن بر نظام قضایی حاکم بر سیاست جنایی در جرایم اقتصادی

قانون بایستی به لحاظ عملی صریح، ساده و بدون ابهام وضع شود تا کارگذاران و مجریان به راحتی بتوانند آن را اجرا نمایند در عین حال قانون باید قابل اجرا باشد، اگر قانون به گونه ای وضع شود که مقبولیت و امکان اجرا در آن لحاظ نشود در این صورت وضع آن به منزله دعوت عمومی برای نقض آن است. قانونگذار علیه جرایم اقتصادی باید به گونه ای منجز و رسا باشد که اختیارات گزینشی در آن نباشد. با نگاهی به تعالیم اسلامی و نگاه فقهی به سیستم قضایی آنچه بسیار مهم است این است که در قرآن، کیفر و جزا هم به معنای کیفر بدکاران و هم به معنای پاداش نیکوکاران ا به کار رفته است اما معنای ترکیبی عدالت کیفری تا اندازه ای قابل تأمل است اسلام دین دانش، عدالت، انصاف و ارزشهای اخلاقی دینی که سراسرش نظام، است نظام اعتقادی صحیح و پیراسته، از خرافات، نظام آداب نیک، نظام عبودیت و بندگی خداوند نظام حکومت و سیاست نظام سرمایه و اقتصاد نظام ازدواج و خانواده و احوال شخصی، نظام تعلیم و تربیت مترقی نظام قضاوت و دادرسی نظام حقوق و قراردادهای، نظام جنگ و صلح و نظام تمامی امور و در یک، کلام اسلام عقیده، شریعت سیاست و حکومت است.

بی گمان هدف از اعمال، کیفر، حفظ حقوق انسان و جلوگیری از تعدی و تجاوز به آنها به منظور تحقق آرمان «عدالت» است. بر حقوق کیفری، اصول بسیار مهمی حکومت می کند که می توان آنها را سازنده نظام عدالت کیفری دانست. که اصل مسؤولیت اخلاقی اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و محاکم اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری، اصل عطف بمسابق نشدن قوانین کیفری، اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری یا تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم، اصل برائت و قاعده درء اصل تناسب بین جرائم و مجازاتها و کیفر بر اساس استحقاق در این میان، پاره ای از اصول اهمیت بیشتری داشته، بعضی از دیگر، اصول نتیجه منطقی آنها به شمار می روند. (غفاری،

۷- راهکارهای رفع آسیبهای قوانین مربوط به جرایم اقتصادی

با توجه به توضیحاتی که در گذشته پیرامون فساد مالی و جرایم اقتصادی و رویکرد ایران در مبارزه با این (جرایم) چه از لحاظ سیاستگذاری و چه از لحاظ قانونگذاری (ارائه گردید انجام اصلاحات در حوزه قوانین و مقررات حاکم بر این مسأله که به نوعی سیاستگذاری ایران را در خصوص مبارزه با فساد مالی مشخص نموده اند، ضروری به نظر می‌رسد. از همین رو در ادامه به ارائه راهکارهایی در خصوص رفع مشکلات و آسیبهای موجود در قوانین مربوط به مفاسد مالی پرداخته شده است.

با توجه به مشکلات موجود در شناسایی موارد فساد مالی، بهترین روش تعریف قانونی جرایم تعریف به مصداق است. لذا به منظور ایجاد هماهنگی میان مصادیق ارائه شده جرایم اقتصادی با تعاریف ارائه شده پیرامون مفهوم آن، پیشنهاد می‌گردد علاوه بر حذف برخی از عناوین کلی و مجمل موجود (عناوینی چون اعمال نفوذ) و جایگزین مصادیق واضح و روشن (از جمله خرید و فروش، نفوذ، معدوم و مخفی کردن نوشته‌ها و اوراق و اسناد سپرده شده به مأمورین دولتی، اظهار نظر یا اقدام مغرضانه و برخلاف حق مأمورین دولتی و گزارش نکردن ارتشا، اختلاس، تصرف غیر قانونی و کلاهبرداری) جرایم دیگری از مجموعه جرایم پیش بینی شده در قوانین کیفری به مجموعه جرایم اقتصادی اضافه شوند این جرایم می‌تواند شامل مواردی چون جرایم بازار اوراق بهادار گمرکات تخریب اموال عمومی، قطع اشجار و تخریب جنگل و همچنین تصرف عدوانی نسبت به اراضی عمومی و دولتی شود. همچنین لازم است با توجه به کاستی‌هایی که در حوزه مقررات بانکی و مؤسسات مالی و اعتباری وجود دارد، برخی از رفتارها به طور مستقل در حوزه حقوق بانکی جرم انگاری شوند. همچنین لازم است برخی قوانین قدیمی و ناکارآمد این حوزه (از جمله قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور) به طور مستقل و با شفاف سازی در عناصر تشکیل دهنده بازنویسی شوند. از سوی دیگر با توجه به اهمیت جرایم اقتصادی و لزوم تعیین احکام سختگیرانه برای مرتکبین آن ضروری است بر خلاف قانون فعلی که صرف عنوان مجرمانه را (فارغ از ارزش موضوع جرم یا خسارتهای وارد شده) برای صدق عنوان جرم اقتصادی کافی می‌داند، اصلاح گردیده و تنها جرایم مهم این حوزه که به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کنند این عنوان را داشته باشند از همین رو، به نظر می‌رسد با توجه به مقررات فعلی مناسب است زمانی فعل یا ترک فعلی جرم اقتصادی محسوب شود که از لحاظ مالی عواید ناشی از آن یا خسارت‌های وارد شده به دیگران قابل توجه (یک میلیارد ریال) باشد و سایر موارد مانند بقیه جرایم، شامل مقررات عام حقوق کیفری شود.

۸- نتیجه گیری

از مجموعه توضیحاتی که پیرامون موضوع مورد بحث، ارائه گردید، می‌توان دریافت که:

۱- سیاست جنایی موجود در کشور پاسخگوی نیازهای جامعه و نظام اقتصادی، اداری و قضایی در زمینه پیشگیری و مبارزه با فساد مالی نیست.

۲- با در نظر گرفتن این مسأله که سیاستگذاری یا اصلاح سیاست‌های موجود در کشورمان عموماً از طریق تدوین و وضع قوانین امکان پذیر است، به نظر می‌رسد بهترین روش در جهت اصلاح سیاستگذاری‌های مربوط به مبارزه با جرایم اقتصادی، تدوین قوانین کامل صریح و به روز در خصوص مصادیق فساد مالی و مجازات مرتکبین این جرایم است.

۳- انجام اقداماتی چون «برقراری نظام شایسته سالاری در انتصاب‌های دولتی»، کوچک سازی دولت و واگذاری آن به بخش خصوصی و رعایت اصل شفافیت در کلیه فعالیتهای اقتصادی بخش دولتی و عمومی نقش قابل توجهی در پیشگیری از وقوع مفاسد اقتصادی را ایفاء خواهند نمود.

۴- در مسیر مبارزه با جرایم اقتصادی ایجاد هماهنگی بین قوا در انجام وظایف قانونی هر یک از آنها مهم تر از اتحاد قوا و یا تأسیس نهادهای جدید در جهت مبارزه با فساد مالی است.

لازم به ذکر است که آموزه‌های فقهی جزوه جدایی ناپذیر منابع حقوقی ماست در واقع هماهنگی بین سیاستگذاران تقنینی، اجرایی و قضایی در به کار بستن شیوه‌های موثر بر علیه جرایم اقتصادی امری است که در ماده ۱۶۷ قانون اساسی بدان اشاره شده است اما در

تحلیل و بررسی مصادیق جرایم اقتصادی شمولیا ماده ۱۶۷ قانون اساسی با حاکمیت قانون در نظام کیفری در تعارض است و برخی از این دعوای که در نظام فقهی جرم سنگینی دارد در نظام حقوقی ایران جزوه فساد فی الارض است و حکم اعدام دارد. در بررسی قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی، ملاحظه می شود که سیاست گذاری مقنن بیشتر بر پایه تدابیر قهرآمیز و سرکوبگر کیفری یا به تعبیر دیگر همان مجازاتهای معروف حقوق جزا استوار است به نظره رسد تأکید اصلی سیاست جنایی کشور ما تشدید مجازات مرتکبین جرایم اقتصادی است. در سالهای اخیر با توجه به شرایط نابسامان اقتصادی، آمار پرونده های اخلاال در نظام اقتصادی افزایش پیدا کرده و قانونگذار برحسب زمینه های اخلاال در نظام اقتصادی مانند اخلاال ارزی، احتکار، پولشویی، اختلاس و کلاهبرداری مبادرت به تدوین قوانین جدید نموده که عموماً با تشدید مجازات همراه است. در حالی که سیاست جنایی فراگیر باید مبتنی بر علت شناسی و ریشه یابی جرایم اقتصادی باشد و به عواملی مانند تورم، تأثیرات تحریم اقتصادی افزایش فاصله طبقاتی، کمبود کالاهای اساسی توجه کافی شود نکته جالب اینجاست که عموماً در شرایط بحران اقتصادی مانند زمان جنگ، تحریم اول (۱۳۹۲)، تحریم دوم (۱۳۹۷) دامنه جرایم اقتصادی به شدت افزایش یافت که نشان دهنده ارتباط مستقیم جرایم اقتصادی با شرایط اقتصادی جامعه می باشد.

سیاست جنایی تقنینی [در برابر جرم اخلاال در نظام اقتصادی] که مهم ترین ویژگی آن مبتنی بر اندیشه، تفکر و تدبر سیستمی بودن است، با خلاءها و کاستی های فراوانی روبه رو است و این امر موجب شده سیاست جنایی منسجمی در قبال جرایم اقتصادی نداشته باشیم و از اقتدار قوانین به واسطه دخالت سایر مراجع (غیر از مجلس شورای اسلامی) در فرآیند قانون گذاری کاسته شود. یکی از مشکلاتی که در زمینه قانونگذاری در جرائم اخلاال در نظام اقتصادی کشور یا جرایم اقتصادی وجود دارد ابهام در مفاهیم بکار رفته در قوانین به ویژه قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۶۹ است به عنوان مثال یکی از ابهاماتی که در این قانون وجود دارد مفهوم «اخلاال» بود که در هیچ قانونی تعریف نشده است از آنجا که عمده جرائم مندرج در این قانون مقید به نتیجه هستند و نتیجه مدنظر قانون گذار است، «اخلاال» در یکی از ارکان نظام اقتصادی، از جمله نظام پولی، ارزی، صادراتی و..... هم، بنابراین وجود شبهه در مفهوم اخلاال هم، از دیگر مواردی است که علی الاصول می تواند اثبات این جرم را منتفی سازد. البته با تعریف مندرج در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تا حدودی این مشکل مرتفع شده است.

منابع

منابع فارسی

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هب الله. (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه، انتشارات مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره) ایران قم جلد (۱).
- بجنوردی، محمد حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه، ج ۱ و ۲ محققین مهدی المهریزی - محمد حسین الدرایتی، الطبعة الاولى، قم، نشر الهادی
- ترکی هرچنگانی، غلامعباس، شامبتاتی هوشنگ؛ رهامی محسن (۱۳۹۷) بررسی فقهی حقوقی فساد مالی در آئینه سیاست جنایی تقنینی ایران، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۱ شماره ۲۰
- حسینی جعفر؛ نسرین مهرا (۱۳۹۴) نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناختی دوره ۲، شماره ۲ و ۳
- حسینی سیدحسین، اسمعیل زاده لیدا (۱۳۹۵) جنبه های عوام گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی رفاه اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۵۴
- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری. (۱۴۱۵ ه.ق). المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات، قم، انتشارات دار الحکمه چاپ چهارم.
- زراعت، عباس (۱۳۹۱)، حقوق کیفری، اقتصادی، انتشارات جنگل، جاودانه
- ساریخانی، عادل، آقا بابا بنی اسماعیل (۱۳۹۳)، واکاوی مستندات فقهی اعدام تعزیری، حقوق کیفری، شماره ۸

- سلطانی فرد، حسین و همکاران (۱۳۹۷) آیین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، مجله مطالعات حقوقی شماره ۲۹ طباطبایی، محمد حسین، (بی تا) المیزان فی التفسیر قرآن، ج ۲، قم: موسسه النشر الإسلامی.
- عباسی، حمید (۱۳۹۵) سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی تحقیقات جدید در علوم انسانی سال دوم، شماره ۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، الکافی، تهران دار لکتب، چاپ سوم، جلد ۷
- گرچی، ابوالقاسم، (۱۳۸۳) آیات الحکام (حقوقی - جزایی) تهران، انتشارات میزان، چاپ اول
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۳)، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱ و ۲ و ۳، چاپ بیست و دوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰ ق) المقنعه، قم، جامعه مدرسین .
- نراقی، ملا احمد، (بی تا) مستند الشیعه فی احکام الشریعه، انتشارات آل البيت الاحیا التراث، ج ۱۴
- Muthomi, Thiankolu, "The Anti - Corruption and Economic Crimes Act", Has Kenya Discharged Her Obligations to Her Peoples and the World? LL.B. (Hons.) Nairobi. 2006
- Jose, Rico. (2012). Notes luniversite a letude de la Criminalite des affaires, luniversite dc monterreal.
- Sjogren, Hans., Goran, Skogh. (2004). New Perspectives on Economic Crime ", Edward Elgar Publishing Limited, U.K.